



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

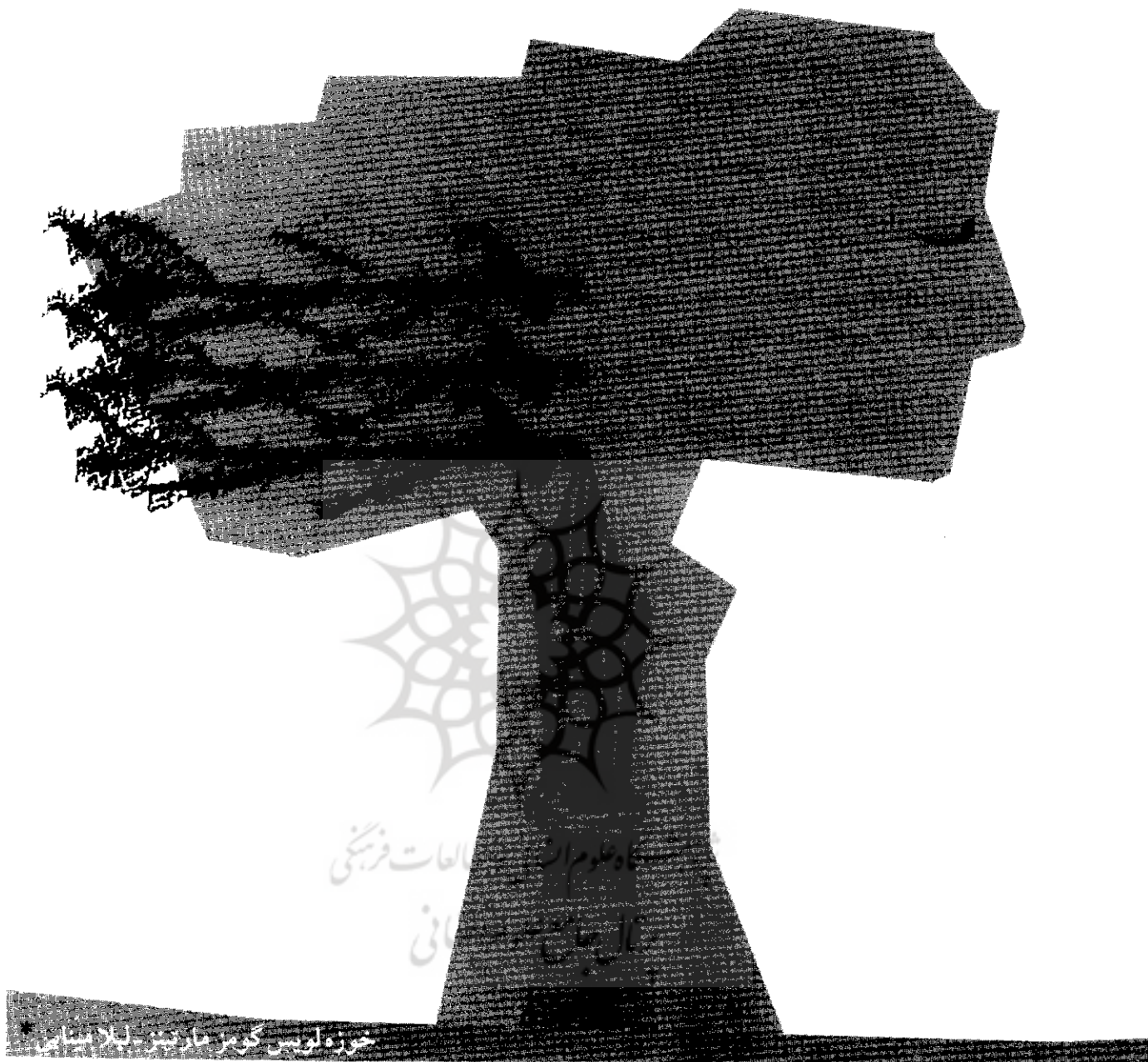
هویت مسئله‌رویی فلسفه آمریکای لاتین

مقاله

غنی فکری در متن آثار ادبی .

پیوند ادبیات و فلسفه در جامعه روشنفکری آمریکای لاتین ، موجد یکی از جذاب‌ترین ادوار در مسیر تکامل آن بود . مشخصه بخش عمده‌ای از ادبیات آمریکای لاتین ، دغدغه‌های عمیق فلسفی ، با تمرکز خاص بر مسئله هویت است . از زمان تسخیر و مستعمره سازی قاره

* در کشور ما آثار قصه‌نویسان و شاعران خلاق آمریکای لاتین کمابیش شناخته شده است ، اما درباره وضع فکری و آثار فلسفی این سرزمین کمتر اطلاعی در اختیار خواننده فارسی زبان هست . این مقاله که ترجمه مدخل Literature , Philosophy in American Latin از دایرةالمعارف فلسفه راتلیج . (Routledge Encyclopedia of Philosophy ed. Edward Craig, 1998) است ، می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای بررسی پیوند فلسفه و ادبیات در آمریکای لاتین و درک جریان‌های



اروپا در امور فرهنگی و میل به اروپایی شدن آمریکای لاتین. این دیدگاه دوم، الهام‌بخش گرایش به همسانی با فرهنگ اروپایی، و نیز از نیمه دهه ۱۹۰۰، همسانی با موفقیت سیاسی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا بود.

در قرن بیستم، از زمان «اصلاحات دانشگاه» در ۱۹۱۸، فلسفه‌ای دانشگاهی شبیه به آنچه در اروپا وجود داشت پدید آمد و بدین ترتیب تنوع یافتن چشم‌انداز فلسفی آمریکای لاتین آغاز شد. از میان مواضع گوناگون فلسفی که در آن زمان پدید آمد، آنچه به رغم سقوط گذرا به

آمریکا در دهه ۱۵۰۰ میلادی، در اسپانیا بحثی درباره انسانیت ساکنان قاره تازه مکشوف، آغاز شد. این بحث یکی از روشن‌گرترین منازعات فکری قرن شانزدهم اروپا از کار درآمد. همزمان با گسترش استعمار، اروپا دیدی کلام محور (logocentric) را مطرح کرد که گفتمان فلسفی بی‌مانندی درباره مسئله هویت در آمریکای لاتین به وجود آورد.

در قرن نوزدهم، بحث فلسفی عمدتاً با بیان ادبی عرضه می‌شد. نخست جست و جوی هویت فرهنگی کانون توجه فلسفه بود، هر چند [در این زمینه] دو موضع کاملاً مغایر بارز بود: تمایل به مستقل شدن از

جایگاه درجه دوم در محافل دانشگاهی، بر عرصه فرهنگی سیطره داشت، اشتیاق به تدوین یک گفت‌مان فلسفی «آمریکای لاتینی» بود، گفت‌مانی که بتواند از طریق فلسفه آزادی بخش که از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد از مرزهای خود فراتر رود.

۱. فلسفه به مثابه ادبیات

در مباحثات فلسفی دوره استعمار و قرن نوزدهم، دو گرایش در آمریکای لاتین پدید آمد: یکی گرایش دانشگاهی که ملهم از جنبش‌های اروپایی بود و به دست علمای مرسى (Scholastics) پا گرفت. کسانی چون آلونسو دلا یرا کروس Alonso de la Vera Cruz (۱۵۰۴-۱۵۸۴) و خوزه داکوستا Jose de Acosta (۱۶۰۰-۱۵۴۰)، آلفونسو بریکنیو Alfonso Bricño پیرو دونس اسکوتوس (۱۶۶۷-۱۵۹۰)، خوزه مانوتل پراماس نوافلاطونی Jose Manuel Peramas (۱۷۹۳-۱۷۳۲) ائوخنو دساتا کروس ای اسپخو Eugenio de Santa Cruz y Espejo متفکر دوره روشنگری (۱۷۹۵-۱۷۴۷) و کارلوس اوکتاویو بونچه پوزیتیویست Carlos Octavio Bunge (۱۹۱۸-۱۸۷۵)، گرایش دیگر آمریکای لاتین، بحث فلسفی خود را از طریق بیان ادبی به ویژه مقاله و رمان عرضه می‌کرد. این گروه از فیلسوفان عبارت بودند از: خوزه خوان کین فرناندز دلیزاردی Jose Joaquin Fernandez de Lizardi اهل مکزیک (۱۸۲۷-۱۷۷۶)، خوستوسیرا Justo Sierra اهل مکزیک (۱۹۱۲-۱۸۴۸)، اندرس بیلو Andres Bello ونزوئلایی - شیلیایی (۱۸۶۵-۱۷۸۱)، دو آرژانتینی به نام‌های خوان باتیستا آلبردی Juan Bautista Alberdi (۱۸۸۴-۱۸۱۰) و دومینگو فائوستینوسارمینتو Domingo Faustino Sarmiento (۱۸۸۸-۱۸۱۱)، دو شیلیایی به نام‌های خوزه بیکتورینو لاستاریا Jose Victorino Lastarria (۱۸۸۸-۱۸۱۷) و فرانسیسکو بیلانو Francisco Bilbao (۱۸۶۵-۱۸۲۳)، دو کوبایی به نام‌های خوزه دلوس ای کابیرو Jose de la Luz y Caballero (۱۸۶۲-۱۸۰۰) و خوزه مارتی Jose Marti (۱۸۹۵-۱۸۵۳)، خوان مونتالو Juan Montalvo اکوادوری (۱۸۹۵-۱۸۵۳) و ائوخنو ماریا اُستس Eugenio Maria Hostos پورتوریکویی (۱۹۰۳-۱۸۳۹). از طریق آثار این گرایش دوم در قرن نوزدهم نخستین جلوه‌های تفکر آمریکای لاتین پدیدار شد.

در ۱۸۱۵، طی جنگ برای کسب استقلال سیاسی از اسپانیا، سیمون بولیوار رهبر [قیام]، بحران آمریکای لاتین را بدین صورت توصیف کرد:

«ما نه سرخپوستیم و نه اروپایی، بلکه یک نوع واسطه‌ایم میان مالکان به‌حق این سرزمین و غاصبان اسپانیایی آن. خلاصه اینکه ما به رغم آمریکایی زاده شدن، حقوق خود را از اروپا می‌گیریم و ناچاریم خواستار این حقوق در برابر حقوق بومیان باشیم و در عین حال از خود در برابر متجاوزان دفاع کنیم.» [۱۸۱۵: ۶۳-۶۴].

بولیوار تنها موفق شد آمریکاییان لاتینی را برحسب آنچه نیستند [به نحو سلبی] تعریف کند: «ما نه سرخپوستیم و نه اروپایی». آمریکادوستی او به زاده شدنش در آمریکا باز می‌گشت، درست به همان اندازه که خود را از نظر فرهنگی میراث دار «حقوق خود از اروپا»

می‌دانست. بدین نحو بود که بحران هویت دغدغه فکری [مردمان] آمریکای لاتین شد.

در طول دهه ۱۸۰۰، مردمان آمریکای لاتین، سرزمینشان را صحنه رویارویی تملمن و بربریت می‌دیدند. دومینگو فائوستینو سارمینتو (۱۸۱۱-۱۸۸۸) متفکر آرژانتینی، تعارض اجتماعی آمریکای لاتین را به صورت دو نیروی مقابل هم تعبیر می‌کرد: «یکی متملمن، طرفدار قانون، اروپایی؛ دیگری بربر، بی‌قانون، آمریکایی». سارمینتو حس می‌کرد که با «دو جامعه مجزا که با هم رقیب و ناسازگارند» روبه‌رو است (۱۸۴۵: ۵۸). اهمیت و معنای اندیشه‌ای که در کتاب سارمینتو بیان شده، در رمان‌های نویسندگانی چون خوان لئون مرا Juan Leon Mera اهل اکوادور (۱۸۹۴-۱۸۳۲) به گونه‌ای دقیق‌تر نمایان می‌شود. در کتاب "Cumanda O un drama entre salvajes" (۱۸۷۹) «کوماندا یا نمایش در میان وحشیان» اثر مرا، ساکنان اکوادور خود را به دو دسته بزرگ تقسیم می‌کنند: بیگانگان و بومیان. اولی شامل «سفیدها» (از نسل اروپاییان و شناخته‌شده به عنوان مسیحی) و گروه دیگر شامل سرخپوستان یا سرخپوستان اسپانیایی (دورگه). در اثر مرا، اکوادور از یک هویت اجتماعی برخوردار نیست. اکوادور به صورت مرز برخورد



نگریسته شده است که به تعبیر سارمینتو مکان برخورد تمدن (فرهنگ اروپایی) و بربریت (آنچه فرهنگ بومی و محلی تلقی شده) است. مقارن با پایان دهه ۱۸۰۰، خوشبینی که مشخصه اصلی روشنفکران دوره استقلال طلبی بود، جای خود را به بدبینی داد. دیدگاه سنتی و محافظه کارانه نیز همانند لیبرالیسم اولیه، در سایه شعار پوزیتیویستی *ordeme progreso* یا «نظم و ترقی» از لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شکست خورده بود. با این حال در کنار نظرات بدبینانه کسانی چون آلسیدس آرگداس (Alcides Arguedas) بولیویایی (۱۸۷۹-۱۹۴۶)، گروهی نویسنده پیدا شدند که برای ارائه موضعی تازه درباره مفهوم هویت، نگاهی به گذشته داشتند. مانوئل گونسالس پرادا (Manuel Gonzalez Parada) پرووی (۱۸۴۸-۱۹۱۸)، خوزه انریکه رودو (Jose Enrique Rodó) اروگوئه‌ای (۱۸۷۱-۱۹۱۷)، خوستوسیرا (Justo Sierra) مکزیکی (۱۸۴۸-۱۹۱۲)، خوزه مارتی کوبایی (۱۸۹۵-۱۸۵۳) و اتوخنو ماریا آستس پورتوریکویی (۱۸۳۹-۱۹۰۳) از چهره‌های مهم در گسترش این فلسفه جدید هستند. در طول این دوره، این شناخت حاصل شد که خیل عظیمی از مردم فراموش شده‌اند و فراموش می‌شوند، و اینکه آمریکای لاتین برای نجات خود، ناگزیر از نجات سرخوستان سرزمین خود است. مارتی در مقاله‌ای با عنوان «آمریکای ما» در سال ۱۸۷۰ چنین نوشت: «شناخت مسئله، حل آن مسئله است. شناخت سرزمین خود و حکومت بر آن با دانش حاصل از آن شناخت، تنها راه آزاد ساختن آن است».

۲. فلسفه در ادبیات

استقلال آخرین مستعمره‌های اسپانیا در آمریکا (کوبا، پورتوریکو) در ۱۸۹۸، ساخت کانال پاناما، مداخله ایالات متحده آمریکا در مسائل چند کشور آمریکای لاتین و جنگ جهانی اول، فلاسفه آمریکای لاتین را به طرح نگرانی‌های ملی خود در سراسر قاره ترغیب کرد. بدین ترتیب، فیلسوفانی از آمریکای لاتین سربرآوردند که هدفشان تأمل در مسئله هویت در مقیاس قاره‌ای بود. بالومرو سانین کانو (Baldomero Sanin Cano) کلمبیایی (۱۸۶۱-۱۹۵۷)، دو آرژانتینی به نام‌های آلخاندرو کُرن (Alejandro Korn) (۱۸۶۰-۱۹۳۶) و فرانسیسکو رومرو (Francisco Romero) (۱۸۹۱-۱۹۶۲)، کارلوس واس فریرا (Carlos vaz Ferreira) اروگوئه‌ای (۱۸۷۳-۱۹۵۸)، دو مکزیکی به نام‌های آنتونیو کاسو (Antonio Caso) (۱۸۸۳-۱۹۴۶) و ساموئل راموس (Samuel Ramos) (۱۸۹۷-۱۹۵۶)، گیرمو فرانکوویچ (Guillermo Francovich) بولیویایی (۱۹۰۱-۱۹۹۰) و خوزه کارلوس ماریاتگی (Jose Carlos Mariategui) پرووی از این جمله‌اند. «اصلاحات دانشگاه» که در سال ۱۹۱۸ در آرژانتین آغاز شد به سرعت در سراسر آمریکای لاتین گسترش یافت و سبب رشد و گسترش فلسفه دانشگاهی گردید. از آغاز دهه ۱۹۳۰، این فلاسفه دریافتند که باز یافتن گذشته فرهنگی آمریکای لاتین اولین گام در تدوین یک فلسفه اصیل است. در حوزه ادبیات، این نگرانی شخصی‌تر و بی‌واسطه‌تر بود. مشکلاتی که در پی آگاهی از شرایط خود به وجود آمد، در شعر، نمایش، رمان و مقاله نمود پیدا کرد. حقیقت آمریکای لاتین تحلیل شد و راه‌حلی‌هایی پیشنهاد گردید. به طور خلاصه، ادبیات با اندیشه‌هایی

سروکار داشت که هنرمندانه بیان می‌شد و موازی یا حتی گاهی منطبق با فلسفه دانشگاهی بود. با این حال، ادبیات خود را درگیر زمینه‌یابی گفتمان فلسفی نمی‌کرد. از این رو، نویسندگانی چون رودو اروگوئه‌ای و واسکونسولوس (Vasconcelos) مکزیکی، رویای پیشرفت آرمانی محتمل در آمریکای لاتین را عرضه کردند. رودو در اثرش به دفاع از شخصیت کامل فرد در کنار مفهوم اقلیت‌های خاص پرداخت. وی به انتقاد از آنچه گرایش هم سطح کننده دموکراسی‌ها و علاقه مفرط به مادیات و سوداگری در ایالات متحده آمریکا تلقی می‌کرد، پرداخت. پیشنهاد او این بود که رسیدن به «روح» آمریکای لاتین هدف باشد. واسکونسولوس در برابر تحقیری که پوزیتیویست‌ها بر دوره‌های اسپانیایی سرخوستان تحمیل می‌کردند، دوره‌گردی را عین اصیل بودن دانست و بدین ترتیب طبیعت چند نژاده و چند فرهنگی مردم آمریکای لاتین را اصیل و حتی آن را آینده بشر توصیف کرد. واسکونسولوس (در ۱۹۲۵) بر این نظر بود که در آمریکای لاتین، نژاد پنجم، نژادی جهانی (نژادی چندرگه شامل نیروی خلاق سایر نژادها) به وجود خواهد آمد که سرنویشت نوع بشر را رقم خواهد زد.

رمان، تا پیش از دهه ۱۹۵۰، از مباحثات فلسفی حول محور تمدن و بربریت که در طول قرن نوزدهم رواج یافته بود، پیشی گرفت. آثار ماریانو آسوتلا (Mariano Azuela) مکزیکی (۱۸۷۳-۱۹۵۲)، ریکاردو گیرالدس (Ricardo Güiraldes) آرژانتینی (۱۸۸۶-۱۹۶۹) و رومولو گایگوس (Romulo Gallegos) ونزوئلایی (۱۸۸۴-۱۹۶۹) از جمله آفرینش‌های هنری قدرتمندی بودند که در تأمل فلسفی ژرفی سهم شدند. تأملی که در آن گذشته فرهنگی و هویت آمریکای لاتین پذیرفته و تحلیل شده بود. گایگوس در کتاب «دوینا باربارا» (Doña Barbara)، شهادهای مارتی و بصیرت‌های واسکونسولوس را بررسی کرد. در این رمان مشکلات آمریکای لاتین همچنان به صورت برخورد تمدن و بربریت تعریف شد. تقلید، بربریت تلقی می‌شد، همان طور که تحمیل قواعد بیگانه بر واقعیت شخص و خودپرستی برای رسیدن سریع به توانگری چنین بود. از نظر گایگوس قدرت تمدن ساز، به قدرت‌های بالقوه ملی اعتماد دارد و آفرینش نژادی فرهنگی را شالوده هویت ملی می‌داند.

رمان، به ویژه رمان بومی‌گرا (Indigenista) ابزاری شد برای هشدار دادن در مورد وضع نسل‌های پیش از زمان کشف قاره آمریکا. جمعیت بومی به تدریج طرد شدن خود را یکی از علل عقب ماندگی سیاسی و اجتماعی که در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین مشهود بود، بازشناخت. سزار وایخو (Cesar Vallejo) پرووی (۱۸۹۲-۱۹۳۸) و خورخه ایکاسا (Jorge Icaza) اکوادوری (۱۹۰۶-۱۹۷۸) پیامدهای فرهنگ ظلم را بی‌پرده بسط دادند. فرهنگی که توسعه داخلی کشور را فلج می‌کرد، ضعف حکومت اولیگارش‌ی آن را تشدید می‌کرد و تحمیل‌های امپریالیستی از خارج را چون امری طبیعی می‌پذیرفت. دو پرووی به نام‌های سیرو آگریا (Ciro Alegria) (۱۹۰۹-۱۹۶۷) و خوزه ماریا آرگداس (Jose Maria Arguedas) (۱۹۱۱-۱۹۶۹) در صد باز یافتن جمعیت‌های مطرود برآمدند.

مسئله هویت، همچنان انگیزه‌ای برای تأمل فلسفی در ادبیات بود. آثار ادواردو مایتا (Eduardo Mallea) (۱۹۰۳-۱۹۸۲) و اسکیل مارتینس

۳. زمینه یابی فلسفه در ادبیات

استرادا (Ezequiel Martinez Estrada) (۱۸۶۴ - ۱۸۹۵) آرژانتینی، در بردارنده تاملات فلسفی عمیقی بود که بازتابش از مرزهای ملی فراتر رفت. در کشورهایی چون مکزیک که شرایط داخلی، بحران هویت را دامن می‌زد، نویسندگان و فلاسفه‌ای نظیر ساموئل راموس (۱۸۹۷-۱۹۵۹)، رودولفو اوسلیگی (Rodolfo Usigli) (۱۹۰۵-۱۹۷۹)، اکتاویو پاز (Octavio Paz) (۱۹۱۴-۱۹۹۸) و کارلوس فونتس (Carlos Fuentes) (۱۹۲۹-) دغدغه‌ای مشترک داشتند.

و اقتصادی آن پردازند. از لحاظ بیان هنری، نویسندگان آمریکای لاتین و نظریه پردازان پست مدرن اروپای مرکزی علاوه بر «تفکر آزادی بخش» که هدایتگر آنان بود، از خورخه لوئیس بورخس (Jorge Luis Borges) آرژانتینی (۱۸۹۹-۱۹۸۶) و گابریل گارسیمارکز (Gabriel Garcia Marquez) کلمبیایی (۱۹۲۸-) در شالوده‌شکنی مدرنیته و یا از آثار مربوط به تفکر آزادی بخش مانلیو آرگتا (Manlio Argueta) سان سالوادوری (۱۹۲۶-) و کلاریل آلگریا (Claribel Alegria) نیکاراگوایی (۱۹۲۴-) الهام گرفتند.

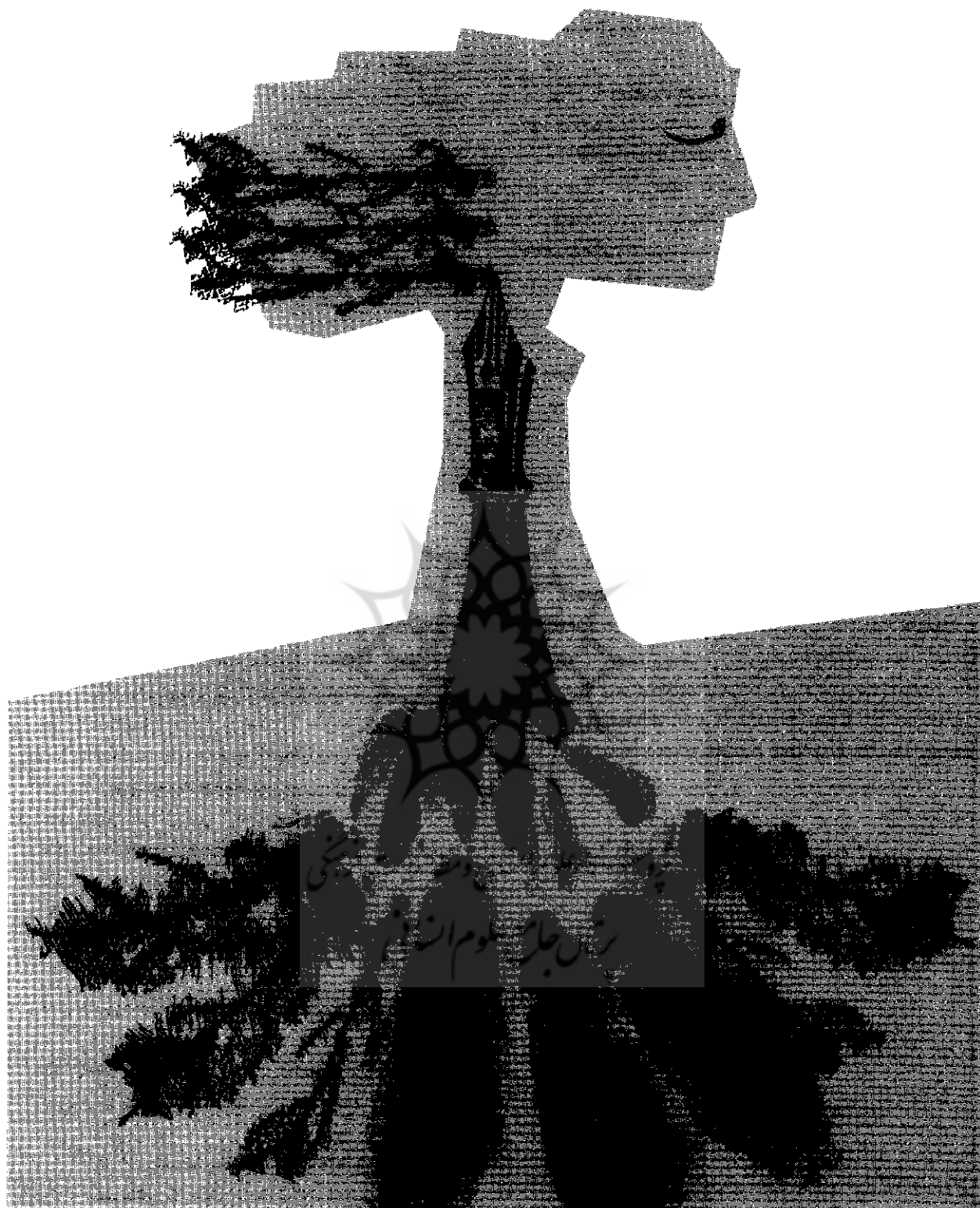
زمینه تفکر اقتصادی را نیز دو برزیلی به نام‌های فرناندو انریکه کاردوسو (Fernando Henrique Cardoso) و انسوفالتو (Enzo Faletto) در شیلی ایجاد کردند و مانوئل مخیا وایخو (Manuel Mejia Vallejo) کلمبیایی آن را تحلیل کرد. الهیات آزادی بخش در آثاری چون «وضعیت اوریون» (El Ocaso de Orión) نوشته اسکار اوسین فرناندز (Oscar Uzin Fernandez) بولیویایی و «صلیب وارونه» (La Cruz invertida) (۱۹۷۰) نوشته مارکوس آگینیس (Marcos Aguinis) آرژانتینی نمود داشته است.

رمان آگینیس که همزمان بود با کار اصلی گوستاو گوتی‌ارس در زمینه الهیات آزادی بخش (۱۹۷۱) به لوازم مذهبی مفهوم «انسان نو»، توجه به فقرا، برخورد با مسئله تجرد و نیز تحلیل گفتمان اروپا محور کلیسای کاتولیک و ساختارهای قدرت آن می‌پردازد. مضمون این کتاب درگیری آتی و اتیکان با معتقدان به الهیات آزادی بخش را پیش‌بینی می‌کرد.

نظریه پردازانی که به تفکر آزادی بخش می‌پرداختند خود را مستقیماً درگیر وضع زنان در آمریکای لاتین نمی‌کردند. با این وصف، شالوده‌شکنی ظلم و طرح آزادی که در مفهوم انسان مدرن مفاهیمی تبیین شده بودند، شکل‌گیری جنبش‌های پر قدرت فمینیستی را موجب

در اوایل دهه ۱۹۵۰، فلاسفه آمریکای لاتین در صدد تلویین تفکر اصیل خود برآمدند. لئوپولدو سئا (Leopoldo Zea) اهل مکزیک در کتاب خود «آمریکا آگاهی جمعی است» (America Como Conciencia) نمونه این مرحله اولیه است، که در دهه ۱۹۶۰ به کمال رسید. برای نخستین بار تفکر آمریکای لاتین به کمک «تفکر آزادی بخش» از مرزهای جغرافیایی فراتر رفت. در دهه ۱۹۶۰ این اندیشه به سه حوزه تقسیم می‌شد که مکمل یکدیگر بودند: ۱- آموزش و پرورش؛ که نمونه آن پائولو فریره Paulo Freire برزیلی (۱۹۲۱-) است. ۲- الهیات؛ که در کتاب گوستاو گوتی‌ارس (Gustavo Gutierrez) (۱۹۲۸-) شرح و بسط داده شده ۳- فلسفه؛ که بازتاب آن در اثر لئوپولدو سئا (۱۹۱۲-) است. همه این متفکران مدرنیته غربی را تحلیل و ساختار شکنی کردند. آثار آنان در عین حال به صورت مباحثات پست مدرن اروپای مرکزی پدیدار گشت اگرچه برخلاف پست مدرنیسم، در تلاش برای رسیدن به نگاهی جهان شمول و اتویایی و نو به انسان تلویین شده بودند.

تفکر آزادی بخش در ادبیات نتایج سریعی به دنبال داشت. اصالت و دقت نظر آن، نویسندگان را واداشت تا به ساخت‌شکنی و زمینه‌یابی دوباره مباحثات فلسفی و نیز تفکر درباره نتایج تربیتی، دینی، اجتماعی



ریگوبرتا منخو (Rigoberta Menchu) (۱۹۸۳) بود. نمونه فرآیند زمیته‌یابی تفکر آزادی بخش در ادبیات - به همراه مضامین قدیم تر - رمان «چرا ماهیخوارها رفتند.» (Porqué Se fueron las garzas, 1980) نوشته گوستاو آلفردو خاکومه (Gustavo Alfredo Jacome) است. رمان خاکومه در عین حال

شدند. این جنبش‌ها، تلاش برای آزادی زنان را در پیوند نزدیک با نبرد برای آزادی نوع بشر می‌دیدند. در همین زمان الگوی ادبی جدیدی معروف به قصه نویسی شهادت‌گونه (testimonial) به وجود آمد، که نمونه آن کارهای نویسندگانی چون النا پونیاتوسکا (Elena Poniatowska) مکزیکی (-۱۹۳۳) و بحث الیزابت بورگس (Elizabeth Burgos) از

استقلال طلبانه و آینده مستعمرات اسپانیا)

9. Burgos, E(1983): *Me llamo Rigoberta Menchú así me nació la conciencia*, Mexico, 1993

بورگوس. ا. ریگوبرتا منچو: زنی سرخپوست در گواتمالا (اثری شناخته شده از ادبیات موسوم به ادبیات شهانگونه)

10. Cardoso, F. H and Faletto, E (1969): *Dependencia y desarrollo en América Latina*, Mexico, 1969

کاردوسو. ف. ا. و فالتو. ا. وابستگی و توسعه در آمریکای لاتین (نیاز به زمینه سازی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سیستم های مختلف نظری در حوزه اقتصاد)

11. Freire, P(1971): *Pedagogia del oprimido*, Mexico

فریره، پ: آموزش به انسان ستمدیده (بررسی ساختار آموزشی جدید به عنوان ساختاری ستمگر)

12. Fuentes, C(1962): *La muerte de Artemio Cruz*, Mexico

فونتس. ک: مرگ آرتیمیو کروز (رمانی درباره انقلاب مکزیکی که پیامدهای اجتماعی آن را بررسی می کند.)

13. Gallegos, r(1929): *Doña Barbara*, Madrid, 1990

گالگوس. ر: دونیا باربارا (یک رمان قرن بیستمی که دیدگاه ونزوئلایی در اختلاف بربریت و تمکن در قرن نوزدهم را مورد بحث قرار می دهد.)

14. Gómez-Martinez, J. L.(1993): *Discurso narrativo Pensamiento de la liberacion: La cruz invertida en la contextualizacion de una epoca, EL ensayo en nuestra America.*

گومس مارتینز. ج. ل: بحث ادبی و تفکر آزادی بخش: صلیب وارونه در زمینه یابی یک دوره مقاله ای در آمریکای ما (بررسی رمان های ذکر شده در بخش ۳ مقاله).

15. Garcia, J. J. E and Camurati, M (eds): *philosophy and Literature in Latin American: A critica Assessment of the*

گرایش های فلسفه موسوم به فلسفه بین فرهنگی را نیز ساخت شکنی می کند. این فلسفه فرض را بر این می گذارد که روابط بین فرهنگی را می توان از طریق ادبیات و فلسفه تثبیت کرد تا گفت و گویی بین فرهنگ های هم سطح پدید آید. نویسنده قالب رمان سنتی و بومی گرایانه را با تصویر کردن سرخپوستی که دارای تحصیلات دکتری و در مقام رئیس آموزشگاه است کنار می گذارد. خاکومه با نشان دادن اینکه هویت به احتمال بیشتر هنگامی به دست می آید که تفاوت نژادی و فرهنگی انسان ها کمتر بررسی می شود و زیر ذره بین قرار گیرد، از جست و جوی هویت درمی گذرد و فراتر می رود. قهرمان داستان به نحوی خلاقانه خود را فراتر از ظلمی جای می دهد که ملازم با گفتمانی است که به زبانی اروپایی (اسپانیایی) بیان می شود.

این رمان ظلم پنهانی را بر ملا می کند که در اشتیاق به گفت و گو میان فرهنگ ها (در دهه ۱۹۹۰) نهفته است. «چرا ماهیخوارها رفتند» نشان می دهد که جدیدترین مرحله جهانی شدن، باعث ایجاد نوعی گفت و گو میان فرهنگ ها شده که طرحی سلسله مراتبی دارد و مبنای آن ظلمی پنهان است.

منابع:

* Jose Luis Gomez - Martinez

1. Aguinis, M(1970): *La cruz invertida*, barcelona 1983

آگینیس. م: صلیب وارونه (بهترین رمان آرژانتینی درباره برخورد کشیشان مروج الهیات آزادی بخش با کلیسا و دولت)

2. Alegria, C: *El(1941) mundo es ancho y ajeno*, Madrid, 1983

آلگریا. س: جهان وسیع و ناشناخته است (رمانی بومی گرا در پی بازیافتن جمعیت سرخپوست محروم پرو)

3. Arguedas, A(1909): *Pueblo enfermo*, barcelona, 1958

آرگداس. آ: مردمان بیمار (مقاله ای در روان شناسی مردم بولیوی از منظری بوزنیویستی)

4. Arguedas, J. M(1958): *Deep Rivers*, trans. F. H. Barracough, TX, 1978

آرگداس. ج. م: رودخانه های عمیق (رمانی کلاسیک و بومی گرا از دیدگاه یک کودک به پرو)

5. Arguedas, J. M(1964): *Todos las sangres*, Madrid, 1980

آرگداس. ج. م: تمام نژادها (رمانی بومی گرا که بروز و ظهور اعتراضات در میان جمعیت بومی را به تصویر می کشد).

6. Azuela, M(1916): *Los de abajo*, Mexico, 1970

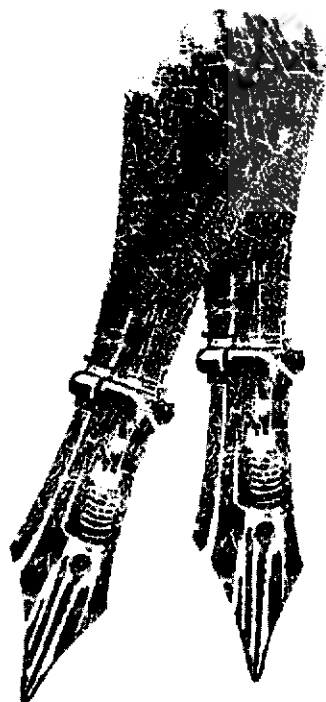
آسولای. م: ستمدیدگان (یکی از اولین رمان های بزرگ درباره انقلاب مکزیکی)

7. Berryman, P(1987): *Liberation Theology*, New York

بری. من. پ: الهیات آزادی بخش (معرفی کامل الهیات آزادی بخش: این کتاب به دنبال یافتن سرچشمه ها، چگونگی گسترش و تأثیر و نفوذ الهیات آزادی بخش است.)

8. Bolivar, S(1815): *The Jamaica Letter*, in M. Perez Vila (ed) *Simon Bolivar: His Basic, Thoughts* Caracas, 1981.

بولیوار. س: نامه جامائیکا در نظرات عمده بولیوار (مقاله ای درباره مبارزات



Current Situation (1989) Albany, NY

گراسیا، خ. ج. ا. و کامورانی. م. **فلسفه و ادبیات در آمریکای لاتین: ارزیابی انتقادی از شرایط روز** (۱۹۸۹)

(درآمدی بر فلسفه در ادبیات آمریکای لاتین، تألیف شده برای افراد غیر متخصص)

16. Güiraldes, R.(1926): *Don Segundo Sombra*, Buenos Aires, 1967

گیرالدس، ر.: **دون سگوندو سومبرا** (رمانی که به سنت «گانوچو» در آرژانتین صورتی آرمانی می‌دهد).

17. Gutierrez, G.(1971): *Teologia de la liberacion: perspectivas* Salamanca, 1990

گوتی‌آرس، گ.: **الهیات آزادی‌بخش: تاریخ، سیاست و رستگاری** (اثری دینی در زمینه جامعه، اقتصاد و سیاست در آمریکای لاتین).

18. Icaza, J.(1934): *Huasipungo* Buenos Aires, 1973

ایکاسا، ج.: **روستاییان** (رمانی بومی‌گرا که عواقب ظلم فرهنگی در اکوادور را بررسی می‌کند)

19. Jacome. G. A.(1980): *Por que & fueron las garzas*, Barcelona

خاکومه، گ. آ.: **چرا ماهیخوارها رفتند** (۱۹۸۰) (رمانی که گرایش‌های فلسفی به اصطلاح بین فرهنگی را ساخت‌شکنی می‌کند).

20. Mallea, E.(1937): *Historia de una pasion argentina*, Madrid, 1969

مانایا، **تاریخ یک خشم آرژانتینی** (آمیزه‌ای ادبی از صنایع بدیعی مقاله و رمان در پی کشف هویت آرژانتینی)

21. Martí, J.(c. 1870): *"Our America" in The America of Jose Martí: selected writing*, New York, 1968

مارتی، ج.: «**آمریکای ما**» (مقاله‌ای در باب پیشینه روشنفکری آمریکای لاتین و پیامدهای اجتماعی و سیاسی آن)

22. Martinez Estrada, E.(1933): *Radiografia de la pampa*, Buenos Aires, 1976

مارتینز استرادا، ا.: **اشعه ایکس پامپا** (مقاله‌ای درباره هویت در آرژانتین از طریق یکی از منطقه‌هایش)

23. Mejia vallejo, M.(1972): *Al Pie de la ciudad*, Barcelona

میخیا وایخو، م.: **در پای شهر** (رمانی که تأثیر توسعه اقتصادی دهه ۱۹۶۰ بر شهرهای کلمبیا را زمینه‌یابی می‌کند).

24. Mera, J. L.(1879): *Cumanda o un drama entre salvejes*, Madrid, 1967

مرا، ج. ل.: **کوماندا یا نمایش در میان وحشیان** (رمانی که مردمان بومی اکوادور را از دیدگاه رمانتیسم اروپایی بررسی می‌کند).

25. Muñoz, B.(1982): *Sons of the wind: The search for Identity in Spanish American Indian Literature*

مانیوس، ب.: **پسران باد: جست و جوی هویت در ادبیات اسپانیایی آمریکایی سرخپوستی** (رمانی بومی‌گرا که راه نشر توسعه فرهنگی آمریکای لاتین را به عنوان یک شاخص اجتماعی نشان می‌دهد).

26. Oliver, A. A.(1993): *"Values in Modern Mexican Thought"*. *The Journal of value Inquiry* 27: 215-30.

اولیور، آ. آ.: **ارزش‌ها در اندیشه مدرن مکزیکی** (مقدمه‌ای محکم بر فلسفه «س‌ا» در زمینه فرهنگ مکزیکی)

27. Paz, O.(1950): *El laberinto de la soledad*, Mexico, 1963

پاز، ا.: **هزار توی تنهایی: زندگی و تفکر در مکزیکی** (مقاله‌ای کلاسیک)

28. Poniatowska, E.(1969): *Hasta no verte, Jesus mio*, Mexico

پونیاتوسکا، ا. بی. **امید دیدار، مسیح من** (رمانی شهادت‌گونه که مشکلات اجتماعی در ۱۹۶۰ در مکزیکی را تصویر می‌کند.)

29. Ramos s(1934): *El Perfil del hombre y la cultura en Mexico*, Madrid, 1951

راموس، س.: **تاریخچه انسان و فرهنگ در مکزیکی** (مقاله‌ای فلسفی درباره فرهنگ مکزیکی و مردمان آن)

30. Sarmiento, D. F.(1845): *Facundo: Civilizacion y bararie*, Madrid, 1967

سارمیتو، د. ف.: **تمدن و بربریت: زندگی در جمهوری آرژانتین در روزهای دیکتاتوری** (یک رویکرد پوزیتیویستی کلاسیک به شرایط اجتماعی در آرژانتین)

31. Schutte, O.(1988-9): *"Philosophy and Feminism in Latin America: Perspectives on Gender Identity and Cultur"*, *The Philosophical forum* 20: 62-84

اسچوته، ا.: **فلسفه و فمینیسم در آمریکای لاتین: چشم‌اندازها درباره هویت فرهنگ جنسی** (مقاله‌ای روشنگر)

32. Schutte, O.(1993): *Cultural identity and Social liberation in Latin American Thought*

اسچوته، ا.: **هویت فرهنگی و آزادی اجتماعی در تفکر آمریکای لاتینی** (رویکردی فلسفی با زمینه‌ای میان رشته‌ای. کانون توجه آن هویت فرهنگی، آزادی بخشی و تفکر فمینیسم است، با ضمیمه کتابشناسی)

33. Stabb, M. S.(1967): *In Quest of Identity: patterns in the Spanish American Essay of Ideas 1890-1960*

استب، م. س.: **در جست‌وجوی هویت: (شرح تفکر لاتینی، به همراه کتابشناسی جامع)**

34. Uzin Fernández, O.(1972): *El ocaso de Orion*, La Paz, 1982

اوسین فراندز، ا.: **فشیست اوریون** (رمانی که درباره آگاهی اجتماعی تازه کشیشان و آداب و رسوم کلیسای کاتولیک به تأمل می‌پردازد)

35. Vallejo, C.(1931): *El tungsteno*, Barcelona, 1981

وایخو، س.: **تانگستنو: یک رهان** (رمانی بومی‌گرا که عواقب ظلم فرهنگی در پرو را تصویر می‌کند.)

36. Vasconcelos, J.(1925): *La raza Còsmica*, Madrid, 1966

واسکونسلوس، ج.: **رقابت جهانی** (مقاله‌ای درباره اهمیت چند فرهنگی و نژادی بودن مردم آمریکای لاتین.)

37. Zea, L.(1953): *América como conciencia*, Mexico, 1972

سزا، ل.: **آمریکا وجدان جمعی** است (اثری سرنوشت‌ساز در فلسفه آمریکای لاتین)

38. Zea, L.(1969): *La filosofia latinoamericana como filosofia sin más*, Mexico, 1980

سزا، ل.: **فلسفه آمریکای لاتین به مثابه «فلسفه»** (سنا برای استقلال فلسفه آمریکای لاتین از فلسفه اروپایی به استدلال می‌پردازد.)